

ندرت روح داده است. ضمن این که جستجو در سوره معصومین (ع) ما را با دنیایی یک سیره متفاوت رو به رو می‌کند؛ دنیایی که در آن اصل یا ساطره و استدلال نسبت به سع و جنونگیری از ابزار عقیده.

در دوره قاجار در اثر رویارویی ایرانیان با تمدن غربی، برای پیشرفت کشور مدارس و مطبوعات تأسیس شد. دانش مطبوعات و مدارس اثر چه از مظاهر پیشرفت کشور محسوب می‌شد، اما در عین حال می‌توانست کارکردی استبداد سستارانه داشته باشد.

با تسامح می‌توان محسنین سانسور ادبیات را در دنیای اسلام به خلفه دوم - عمر - نسبت داد. عمر در دوران خلافت خود سرودن شعر عاشقانه را ممنوع کرد. اما مورخان در جدی نظر به این حکم شتاب‌زده خلیفه تردید کرده‌اند^(۱). زیرا - برودن شعر عاشقانه پس از عمر نیز همچنان ادامه یافت. اتفاقی از این دست را در طول تاریخ می‌توان سراغ گرفت. ولی با دوره قاجار خبری از سانسور رسمی نیست و اتفاقاً گذشته را نمی‌توان سانسور خواند و کر هم از سر تسامح سانسور بنامیم باید بآئید کنیم که چنین اتفاقی به



قوانین و مقررات

علی اصغر سیدابادی

طرح مفاهیمی چون آزادی، عدالت، قانون و جمهوری در مطبوعات به مذاق شاهان قاجار خوش نمی‌آمد و دستگاه سانسور مطبوعات تحت سرپرستی محمدحسین خان اعتمادالسلطنه نظارت شدیدی بر مطبوعات اعمال می‌کرد و دامنه نفوذ نظارت تا مطبوعات چاپ کشورهای دیگر نیز که وارد ایران می‌شد، گسترش می‌یافت. (۲)

در آن دوره مطبوعات محمل نشر داستان بود و داستان‌های ترجمه و تالیف هم به روال معمول آن زمان توسط اداره انطباعات به تیغ سانسور سپرده می‌شد.

پس از ترور ناصرالدین شاه که سانسور در دوره او شدت یافته بود، فضای بازتری بوجود آمد و مطبوعات مستقلی برآمدند که در آن مطبوعات ادبیات جدی‌تری مطرح شد، اما مشروطیت نقطه عطف بزرگی در این زمینه بود. با این حال پس از مشروطیت نیز سانسور همچنان حاکم بود، با این تفاوت که سعی می‌شد شکلی معقول‌تر به آن داده شود. گزارش محاکمه «جهانگیر خان» مدیر روزنامه «صور اسرافیل» که از آن به‌عنوان یکی از نخستین محاکمه‌ها یاد شده، چنین فضایی را به خوبی نشان می‌دهد. در بخشی از این دادگاه که به ریاست مخبرالسلطنه وزیر وقت علوم در دارالقانون برگزار شده، وزیر علوم از میرزا جهانگیرخان می‌پرسد: «چرند و پرند؟» یعنی چه؟ (۳)

میرزا جهانگیرخان می‌گوید: قسمت اخلاقی صور اسرافیل است.

س: اخلاق را مگر نمی‌شود به طرز دیگر نوشت؟
ج: اخلاق را به طرزهای مخصوص نوشته و می‌نویسند. طبایع بشری به آن گونه سخنان بیش‌تر راغب است. س: در این خصوص خود دانید. مطلب دیگر راجع به مسؤولیت قلم است. من اگر چه خوب نخوانده‌ام ولی شنیده‌ام که چه نوشته‌اید و نمی‌دانم در کدام ستون درج شده (هفتگی صور اسرافیل را به بنده دادند) پیدا کنید. ستونی را که مقصود بود خواندم که دیو سیاه مهیب گنده‌ای بازوی مرا گرفت و گفت شیرینی مرا بده. برای چه نوشته‌اید شیرینی خواستند، مگر از شما یا سایر مدیران جراید چیزی گرفته شده؟... این سوال و جواب‌ها ادامه می‌یابد، اما فکر می‌کنم برای نشان دادن آن وضعیت کافی باشد.

سانسور در دوره پس از مشروطیت کم‌رنگ‌تر می‌شود اما ادامه می‌یابد و در دوره پهلوی به خصوص پهلوی دوم شدت بیش‌تری می‌گیرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال‌های نخست از سانسور خبری نیست و کتاب و مطبوعات آزادانه منتشر می‌شود، اما به تدریج نظارت بر مطبوعات و کتاب شکل می‌گیرد.

طبق قانون مطبوعات، هیچ مقام دولتی یا غیردولتی حق سانسور مطبوعات را پیش از چاپ ندارد، اما کتاب وضعیتی متفاوت دارد.

وضعیت فعلی سانسور کتاب

«ممیزی کتاب هم‌اکنون براساس اهداف و سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۶۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی صورت می‌گیرد. برخی از حقوق‌دانان به دلیل

این که شورای عالی انقلاب فرهنگی حق قانون‌گذاری ندارد، این مصوبه را فاقد اعتبار قانونی می‌دانند، اما دستگاه‌های رسمی آن را معتبر می‌دانند و بر آن اساس عمل می‌کنند. برخی دیگر از حقوق‌دانان، در شرایط کنونی که متنی معتبر و قانونی که توسط مجلس تصویب شده باشد، برای نظارت بر انتشار کتاب نیست، این مصوبه را معتبر می‌دانند، اما نحوه اجرای کنونی آن را منطبق با مفاد آن نمی‌دانند. در بخش الف ماده ۳ مصوبه که به سیاست‌های ایجابی و اثباتی اختصاص دارد، در ۴ بند به آزادی انتشار کتاب تصریح می‌کند، اما در تبصره بند ۴ می‌نویسد: برخورد قانونی با موارد غیرمجاز از اصل فوق مستثنی است و از سوی مراجع ذی‌ربط به طریقی که در قانون تعیین شده است، انجام می‌گیرد. در بخش ب این ماده آمده است: مسؤولان دستگاه‌های ذی‌صلاح موظف‌اند، به منظور مقابله با جوانب منفی، حدود و ضوابط قانونی نشر کتاب را، که ذیلاً آمده است مورد توجه قرار دهند و فضای سالم و سازنده طبع و نشر کتاب را حفظ و حراست کنند. سپس در هفت بند مواردی را که شایسته نشر نیست، ذکر می‌کند.

تا اینجا مصوبه درباره نحوه برخورد با موارد غیرمجاز (مخل مبانی اسلام و حقوق عمومی) ساکت است و آن را (طبق تبصره بند ۴ بخش الف ماده ۳ مصوبه) به قانون ارجاع داده است، اما مشخص نشده است که منظور از لفظ قانون در این تبصره کدام قانون است، چون تاکنون قانونی برای این منظور به تصویب نهاد قانون‌گذار نرسیده است.

در فصل دوم مصوبه دو ماده (یعنی موارد ۴ و ۵) به بحث هیأت نظارت بر اجرای قانون پرداخته است. ماده ۴ درباره تشکیل هیأت نظارت بر اجرای ضوابط نشر کتاب به شرح زیر است: «نظر به این که نظارت بر امر طبع و نشر کتاب و اجرای صحیح اصل ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برعهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است، این وزارتخانه هیأت نظارتی متشکل از حداقل پنج نفر از میان صاحب‌نظران و شخصیت‌های علمی و فرهنگی وارد به مسائل کتاب و نشر و امور اجتماعی و سیاسی و تبلیغاتی انتخاب و جهت تصویب به شورای فرهنگ عمومی معرفی خواهد کرد.» این ماده درباره وظایف هیأت نظارت و چگونگی اعمال نظارت بر کتاب و کیفیت ممیزی سکوت کرده است، ولی ماده ۶ ضمن سپردن مسؤولیت اجرای مصوبه به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، این وزارتخانه را مکلف کرده است تا در ایفای وظیفه خود از نظریات اعضای هیأت نظارت بر اجرای ضوابط نشر کتاب استفاده کند. از این ماده می‌توان فهمید که نقش هیأت نظارت بر کتاب نقش مشورتی است. ماده ۵ مصوبه، کتاب‌های کودکان و نوجوانان را از کتاب‌های دیگر متفاوت کرده است. در این ماده پس از تأکید بر تشکیل «هیأت نظارت بر نشر کتاب‌های کودک و نوجوان» به پیشنهاد وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و تصویب شورای فرهنگ عمومی در تبصره‌های این ماده آمده است:

تبصره ۲: نظارت هیأت مزبور از حیث شکل و محتوای کتب کودکان و نوجوانان و انطباق آنها با فرهنگ اسلامی و ایرانی و اصول تربیتی خواهد بود و این نظارت باید قبل از چاپ و نشر کتاب انجام گیرد.

سانسور داستان و رمان

امیرتواکو نویسنده و منتقد برجسته در یکی از مقاله‌هایش به طرح این نظر می‌پردازد که بعضی متون «باز» اند و همراهی خواننده را در تولید معنا طلب می‌کنند، حال آن که بعضی متون دیگر «بسته» اند و واکنش خواننده را از قبل تعیین کنند. (۵) به تاسی از «کو» می‌توان داستان‌ها و رمان‌ها را در دو دسته باز و بسته جای داد که اغلب آثار مدرن در دسته باز قرار می‌گیرند. بررسی سانسور در این دو دسته از آثار متفاوت خواهد بود.

اساساً سانسور تناسب تام و تمام با «معنا» دارد. ما اگر به تسامح، داستان‌ها و رمان‌ها را متشکل از صورت و معنا بدانیم، سانسور با صورت یا فرم ارتباطی نخواهد داشت. سانسور در سه حوزه «اخلاق»، «اعتقادات» و «امنیت و سیاست» قابل صورت‌بندی است.

این هر سه حوزه در دایره معنا قابل جستجو و ردیابی است. به عبارت دیگر موارد غیرمجازکننده داستان‌ها و رمان‌ها فقط در عرصه معنا امکان وقوع دارند.

به اعتقاد نگارنده سانسور براساس مصوبه‌ها و قوانین جمهوری اسلامی ایران، قانونی نیست. با این حال سوال ما این است که با فرض قانونی بودن سانسور آیا سانسور رمان و داستان امری معقول و مفید است؟

پیش فرض اساسی سانسور رمان و داستان، مشخص بودن تأثیر آن بر مخاطب است. به عبارت دیگر سانسور بر این فرض استوار است که رمان و داستان بر مخاطبان تأثیراتی مشخص و از پیش تعیین شده و یا تعیین شدنی دارد. ما برای بحث کردن درباره سانسور رمان و داستان ناچار باید به بحث درباره مخاطب بپردازیم، زیرا وقوع سانسور بدون وجود مخاطب امری مهممل و بی‌فایده است. نگاهی به متن مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی نشان می‌دهد که تصویب‌کنندگان آن نیز بر این نکته باور داشته‌اند. در تبصره یک بخش ب ماده سه که به بحث درباره حدود قانونی پرداخته شده، آمده است: «ملاک منع در حکم به اخلال به مبانی اسلام و حقوق عمومی اخلال در مورد کتب مضله تأثیر و فعلیت است.»

حال با توجه به این نکته، علاوه بر بحث مخاطب، بحث تأثیر و فعلیت هم پیش می‌آید و در واقع سانسور در رمان و داستان در ارتباط تنگاتنگ مفاهیمی چون «مخاطب» «معنا» و «تأثیر» قابل مطالعه است.

رمان، مخاطب، معنا

معنا محصول کنشی به نام «خواندن» است. مخاطب با خواندن متن (رمان و داستان) به معنا می‌رسد و معنا بدون حضور مخاطب، دست‌یافتنی نیست و این خواننده (مخاطب) است که رمزی را که پیام با آن نوشته شده به کار می‌گیرد و به این ترتیب به آنچه که در غیر این صورت فقط بالقوه معنادار باقی می‌ماند فعلیت می‌بخشد. به عبارت دیگر مخاطب دریافت‌کننده صرف معنایی کاملاً ملون شده نیست؛ بلکه در ساختن معنا عاملی فعال است. (۶)



تبصره ۳: نظارت هیأت مزبور طبق آیین‌نامه‌ای انجام خواهد گرفت که این هیأت تهیه خواهد کرد و به تأیید وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خواهد رساند. این آیین‌نامه باید ناظر به صورت و ماده کتب کودکان و نوجوانان باشد و راهنمایی باشد که مجریان با آن بتوانند محتوای این کتب را قبل از چاپ و نشر با فرهنگ اسلامی و ایرانی و اصول صحیح تربیتی تطبیق دهند.

از مقایسه ماده ۵، با مواد دیگر که درباره کتاب‌های دیگر است، نکات قابل تاملی به دست خواهد آمد. همان قدر که مصوبه درباره کتاب‌های دیگر مبهم و گنگ است درباره کتاب‌های کودک و نوجوان صریح و روشن است. از تأکید مصوبه بر ممیزی پیش از چاپ کتاب‌های کودک و نوجوان و سکوت آن درباره کتاب‌های دیگر می‌توان چنین استنباط کرد که تصویب‌کنندگان مصوبه، ممیزی پیش از چاپ را مدنظر نداشته‌اند، با این حال - به هر دلیلی - بر لغو ممیزی پیش از چاپ نیز تأکید نکرده‌اند.

درباره «معنا» در رمان و داستان، منتقدان و صاحب‌نظران بسیاری سخن گفته‌اند. «نظریه‌های ادبی معطوف به خواننده» عموماً با به چالش کشیدن نظریه‌هایی که برای متون ادبی استقلالی قایل بود، دریافت معنا را مستلزم وجود خواننده دانستند.

بلیچ، منتقد آمریکایی، معنا را ضرورتاً حاصل واکنش ذهنی خواننده می‌داند و معتقد است که تفسیر متون خاص، با هر نظام فکری صورت بگیرد، عموماً فردیت ذهنی یک واکنش شخصی را منعکس خواهد کرد. (۷)

«تودورف» و «بارت» معنای یگانه متن را باور ندارند تودورف معتقد است متن در جریان دو بار خواندن یکسان نمی‌ماند و در هر بار خواندن معنایی تازه می‌یابد. (۸) رویکرد سنتی به رمان و داستان همیشه در پی معنایی واحد است. رویکرد سنتی به رمان و داستان متأثر از نگاه انسان سنتی به حقیقت که قرائتی یگانه از آن را به رسمیت می‌شناسد، رویکردی تقلیل‌گرایانه است. رویکرد سنتی رمان و داستان را به ابرازهایی برای ارتباط که مستلزم انطباق معنا بین فرستنده (نویسنده) و گیرنده (خواننده) است تقلیل می‌دهد. در رویکردهای جدید به رمان و داستان، اقتدار معنای یگانه زیر سوال می‌رود و قرائت‌های مختلف از متن شکل می‌گیرد. رویکردهای جدید با انکار معنای نهایی به آفریده شدن معناهای بی‌شمار کمک می‌کند. وقتی تودورف آدرنور، اصل زیبایی‌شناسی مدرن را رهایی از معنا می‌داند (۹) رهایی از معنا به معنی واقعاً بی‌معنایی نیست، بلکه رهایی از معنا به تکرار معنا می‌انجامد.

وقتی که معنای یگانه از میان می‌رود، تجربه خواننده و فردیت او در درک معنای رمان و داستان نقشی کلیدی ایفا می‌کند. پذیرش این نقش در آفرینش رمان و داستان نیز تأثیر می‌گذارد، چنان که داستان و رمان جدید از دنیای «مطلق» فاصله می‌گیرد و «نسبیت» به عنوان یکی از ویژگی‌های رمان طرح می‌شود. (۱۰)

حال با توجه به ویژگی‌های گفته شده، سانسور در رمان و داستان چه ویژگی پیدا خواهد کرد؟ قطعاً به استناد آن لطفه فقهی که فردی در مورد ازدواج با یکی از محارمش گفته بود «ما کردیم، شد» سانسور هم شدنی است، اما با چه کیفیتی؟ سوال این جاست.

پیش‌تر گفتیم، سانسور در ارتباط تنگاتنگ با معناست و معنا حاصل خوانش، و خوانش رابطه‌ای است بین متن و مخاطب، در سانسور «بررس» نقش خواننده را ایفا می‌کند. او یک معنی از میان معنای متفاوت را برمی‌گزیند و بر آن اساس درباره کیفیت تأثیر آن معنی بر عموم مخاطبان قضاوت می‌کند و احتمالاً حکم به توقیف یا اصلاح داستان و رمان می‌کند. سانسور اگر با پیش‌فرض تک معنایی بودن رمان صورت بگیرد، بر پیش‌فرض‌هایی استوار است که مهم‌ترین آن، اعتقاد به نهایی بودن معنای دریافت شده توسط «بررس» است. دستگاه سانسور چنین می‌پندارد که آن معنی نه تنها معنای نهایی که معنای عمومی رمان و داستان است، در حالی که هم معنای عمومی و هم معنای نهایی حداقل در رمان‌ها و داستان‌های مدرن که در دسته متن‌های باز قرار می‌گیرند، منتفی است.

دستگاه سانسور با تحمیل یک معنا بر هر اثر که باید آن را معنای رسمی خواند، برخوردی تقلیل‌گرایانه با رمان و داستان دارد، در حالی که کنش خواندن، کنشی پیچیده است و در آن عناصر مختلفی نقش ایفا می‌کنند. کنش خواندن به عناصر مختلفی مثل تجربه خواننده، زمان و شرایط خواندن و بسیاری عوامل دیگر بستگی دارد که سانسور همه آن عوامل را انکار می‌کند.

از سوی دیگر بر فرض تک معنایی بودن رمان و داستان و یا وجود معنای نهایی و عمومی بحث دیگری پیش می‌آید که آیا یک فرد یا یک دستگاه دولتی می‌تواند مرجع تشخیص معنا یا معنای نهایی و عمومی اثر باشد و به فرض تشخیص آیا می‌تواند درباره تأثیر و فعلیت، آن که در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی به آن اشاره شده پیش‌بینی درستی داشته و بر آن مبنا قضاوت کند؟

بحث تأثیر رمان و داستان بر مخاطبان نیز بحثی پیچیده است و نیازمند تحقیقات میدانی مختلف. درباره تأثیر رسانه‌ها در افراد و به خصوص کودکان مطالعاتی در غرب انجام شده است که براساس آن مطالعات تأثیر یکسان رسانه‌ها در ایجاد بزه منتفی است، بلکه فقط بر نقش تقویت‌کننده آن بر کسانی که از پیش زمینه جرم را داشته باشند، تصریح شده است. سانسور رمان و داستان با فرض قطعی و یکسان بودن تأثیر متن در حوزه‌های سانسور که مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی آنها را دسته‌بندی کرده، انجام می‌شود، در حالی که امروزه چنین تأثیراتی منتفی است. حتی به فرض امکان آن کدام فرد یا دستگاهی می‌تواند درباره فعلیت و تأثیر رمان و داستانی که هنوز منتشر نشده، قضاوت کند؟ قضاوت کردن درباره تأثیر و فعلیت مستلزم تسلط به شرایط و مکان وقوع تأثیر است، در حالی که سانسور در زمانی قبل از وقوع اتفاق مبتنی بر پیش‌بینی قضاوت می‌کند. با این حال قضاوت درباره رمان و داستان امکان‌پذیر خواهد بود، اما تنها پس از چاپ و با ارجاع به عرف و در هاله‌ای از نسبیت، آن هم با این شرط که نمایندگی عرف را هیأت منصفه‌ای برآمده از متن جامعه عهده‌دار باشند. امیدواریم با تأسیس نظام معقولی در امر نظارت کتاب، رمان‌ها و داستان‌هایی که با تحمیل یک معنی از سوی کارگزاران ممیزی توقیف شده‌اند، در معرض قضاوت عمومی قرار گیرند.

توضیحات:

- ۱- گرونیام فن گوستاو، اسلام در قرون وسطی، سمعی غلامرضا، چاپ اول ۱۳۷۳، نشر البرز، ص ۲۶۸
- ۲- کوثری مسعود، آسیب‌شناسی فرهنگی ایران در دوره قاجار، چاپ اول ۱۳۷۹، انتشارات باز (مرکز بازشناسی اسلام و ایران)، ص ۱۹۲.
- ۳- یکی از ستون‌های روزنامه صوراسرافیل بوده که دهخدا آن را می‌نوشته است.
- ۴- کوثری مسعود، آسیب‌شناسی فرهنگی ایران در دوره قاجار، چاپ اول ۱۳۷۹، انتشارات باز، ص ۵ و ۴ و ۱۹۲
- ۵- سدل رافان و ویدوسون پیتز، راهنمای نظریه ادبی معاصر، مخبر عباس، چاپ دوم ۱۳۷۷، طرح نو، ص ۷۱-۷۰
- ۶- همان، ص ۶۸ و ۶۹
- ۷- همان، ص ۹۱
- ۸- احمدی بابک، ساختار تاویل متن، ص ۲۷۳
- ۹- همان، ص ۵۷۳
- ۱۰- ایرانی ناصر، رمان و خشونت، مجله کیان، سال هشتم، شماره بهمن و اسفند ۱۳۷۷، ص ۱۶۸